



هوش مصنوعی سراغم بیاید شکایت می‌کنم

ناصر ممدوح، هنرمند پیشکسوت با بیان اینکه حالش مساعد است و مشغول کار، در عین حال تأکید کرد اگر با استفاده از هوش مصنوعی صدای او را بازسازی کنند، حتماً شکایت خواهد کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، این مدیر دوبلاژ و گوینده سابقه دربار بازسازی صدای گویندگان و خوانندگان با استفاده از هوش مصنوعی گفت: «به نظرم این کار کاملاً غلط است. تا زمانی که من ناصر ممدوح، خودم می‌توانم صحبت کنم و زنده هستم، هوش مصنوعی معنی ندارد. این روزها درست است که هوش مصنوعی کارها را راحت کرده، هزینه ندارد، معطلی ندارد اما اصلاً درست نیست. اگر روزی از صدای من استفاده کنند، بلافاصله اقدام قانونی می‌کنم. حتماً از طرف من اعلام و تأکید کنید که ناصر ممدوح گفت، اگر هوش مصنوعی از صدای من استفاده کند حتماً شکایت خواهم کرد. ما باید امنیت صدایی داشته باشیم به‌خصوص تا زمانی که خودمان زنده هستیم.»



تغییرات در جشنواره‌های به دبیری کمال تبریزی

کمال تبریزی، دبیر نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی، تصمیمات تازه دربار زمان و مکان برگزاری این رویداد سینمایی را اعلام کرد. ایسنا ضمن اعلام این خبر نوشت، نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی طبق فرآخوان اعلام‌شده، قرار بود ابان ماه امسال برگزار شود. حالا دبیر این رویداد از زمان بندی جدید جشنواره خبر داده است. کمال تبریزی، کارگردان سینمای ایران و دبیر نخستین دوره جشنواره ملی فیلم اقوام ایرانی، در این مورد گفت: «بر اساس تازه‌ترین تصمیم‌ها، محل برگزاری به تهران یعنی پایتخت اقوام منتقل شد. همچنین امیدواریم با حمایت، همراهی و همدلی مسئولان استانی و مدیران شهری تبریز با برگزار کنندگان، دوره دوم این رویداد در شهر زیبا و تاریخی تبریز برگزار شود.» تبریزی با توضیح درباره زمان برگزاری هم گفت: «ارادیه‌شست‌ماه فرصت مناسبی است تا جشنواره از ظرفیت فضاهای داخلی و محیط‌های بیرونی بهره‌مند شود. از این‌رو زمان برگزاری بین ۲۶ تا ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ تعیین شده است.»



پست میلاد کی‌مرام در فدراسیون تنیس

رئیس فدراسیون تنیس در حکمی میلاد کی‌مرام، بازیگر سینما را به‌عنوان مشاور این فدراسیون و عضو کمیته ساحلی منصوب کرد. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، در حکم داود عزیزی، رئیس فدراسیون تنیس خطاب به میلاد کی‌مرام آمده است: «با توجه به علاقه‌مندی و جدیت در امر ورزش تنیس ساحلی، شما را به‌عنوان مشاور فدراسیون و عضو کمیته ساحلی فدراسیون تنیس منصوب می‌کنم.» ۳ ماه پیش نیز رئیس همین فدراسیون در حکمی، محمدرضا گلزار، دیگر بازیگر سینما را به‌عنوان عضو هیئت‌رئیسه انجمن پدل و سرپرست تیم‌های منصوب کرده بود. پس از انتخاب محمدرضا گلزار به عضویت هیئت‌رئیسه انجمن پدل، انتقادات بسیاری در این خصوص مطرح شد و از جمله پاسخ‌ها به این انتقادات، پاسخ ملیکاشهب، نایب‌رئیس انجمن پدل در بخش زنان بود که گفت، با توجه به اینکه محمدرضا گلزار، چهره مشهوری در عرصه هنر و یک پدل‌باز حرفه‌ای است، این تمایل از سوی بازیکنان ملی پوش وجود داشت تا ایشان به‌صورت رسمی به عضویت هیئت‌رئیسه برسد.

بازخوانی منابع مشروعیت و ادوار چهارگانه دولت صفویه در سالگرد تاج‌گذاری شاه اسماعیل بنیان‌گذار آن

# تکرار کهنس یا طلوع نو؟



فرزاد نعمتی خبرنگار گروه فرهنگ

شاه اسماعیل صفوی ۱۱ مارس سال ۱۵۰۲، مصادف با بیستم اسفندماه ۸۸۰ هجری شمسی، در تبریز تاج‌گذاری کرد و سلسله صفوی را بنیان گذاشت. با تاسیس صفویه فصلی نوین از تاریخ ایران زمین آغاز شد زیرا اولاً برای اولین بار پس از حمله اعراب به ایران، سلسله‌ای ایرانی بر کل ایران حاکم شد و ثانیاً با دستور شاه اسماعیل صفوی، شیعه اثنی عشری مذهب رسمی کشور اعلام شد. شاه اسماعیل در آغاز سلطنت خود ۱۴ سال بیشتر نداشت اما با توجه به ویژگی‌های شخصی و جایگاه خود به‌عنوان مرشد کامل نزد قریلیان قدرت فراوانی پیدا کرد. در کنار توجه به دو بُعد تصوف و تشیع، او نگاهی ویژه نیز به آیین‌های ملی و ایرانی داشت و بدین ترتیب می‌توان گفت با صفویه حکومت ایران ترکیبی از الگوهای صوفیانه، شیعی و سلطنتی را از خود بروز داد و در ایجاد هویت جدید ایرانیان بسیار موثر بود. با این همه، همواره در تعیین جایگاه دولت صفوی در تاریخ ایران زمین، مناقشات فراوانی در ساحت تاریخ‌نگاری و در میان علمای فن برقرار بوده است. این امر ناشی از میدادی متفاوت و تحلیل‌های گوناگونی است که در تحلیل و تقسیم‌بندی ادوار تاریخی ایران مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد. در ادامه نگاهی به مبانی مشروعیت این حکومت و ادوار آن خواهیم داشت.

صفویه؛ قدیم یا جدید؟

سیدجواد طباطبایی تاریخ ایران پس از حمله اعراب را در ادامه ایران پیشااسلام می‌داند و بر همین مبنا تاریخ ایران را قبل از برآمدن صفویان در ساحت سیاسی ایران، در دو دوره متمایز قابل ارزیابی می‌داند. ۱. دوره باستان که «به‌طور عمده» با بنیادگذاری شاهنشاهی هخامنشی آغاز و با فروپاشی امپراطوری ساسانیان پایان می‌یابد و ۲. سده‌های میانه که ۹۰۰ سال دوره اسلامی را تا مقدمات فرمانروایی صفویان در برمی‌گیرد. طبق طرح کلی طباطبایی تحول تاریخی ایران را می‌توان در دو طرف «قدیم» و «جدید» پیمان کرد و بدین‌سان «دوره طولانی میان شکست ایران در جنگ چالدران تا شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس را که حلقه‌ای «سده‌های میانه» ایران و آغاز دوران جدید آن است»، دوره گذار نامید؛ «دوره‌ای که در واقع نه با اسلوب دوران قدیم ایران می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، نه با ضابطه‌های دوران جدید.»

با چنین توصیفی، اوج و فرود صفویان در تاریخ ایران تنها تا آن میزان تعیین‌کننده است که آمد و شد سایر سلسله‌های عشایر تباری که در ادوار پیشین خاک ایران را میدان نبرتهای دیرینه خویش کرده و گاهی نیز در برابر هیمنه «خلافت»، ساز سلطنت را کوک نموده بودند. به تعبیر طباطبایی «... تمدن و فرهنگ ایرانی در زمان برآمدن صفویان با تمدن و فرهنگ آغاز دوره چیرگی ترکان تفاوت عمده‌ای نداشت و فرمانروایان صفوی کبوییش با اسلوب و اندیشه پیشینیان خود به رتق و فتق امور می‌پرداختند.» بنابراین منطق تحولاتی که تعبیه دوره گذار را در طرح تاریخ طباطبایی الزامی می‌سازد، زاینده تصور اندیشه سیاسی با تکامل اجتماعی و فرهنگی درون‌زا نیست. که اساساً به‌زعم طباطبایی دوران انحطاط و امتناع اندیشه خویش را سپری می‌کنند بلکه از دگرگونی‌های بنیادین بیرون‌زایی نشأت می‌گیرد که در پی تحکیم مبانی اندیشه تجدید، ایران را در میدان مناسبات جهانی با سرنوشته‌ی نوین و رقبایی نوین در دنیای مسیحی-اروپایی روبرو ساخته است. رسول جعفریان، اما در نقطه‌نظری متفاوت بر این گمان است که «ایران به‌عنوان یک واحد سیاسی مستقل، در دوره صفوی، صورت پیش از اسلام خویش را بازیافت» و «عصر جدید ما، از دوره صفوی آغاز می‌شود؛ دوره‌ای که ایران نوین شکل گرفت، فرهنگ تشیع غلبه یافت و فرهنگ و هنر اصیل دینی، خلافت و ابتکار خود را در عرصه‌های مختلف نشان داد؛ دوره‌ای که فقیمان و فیلسوفان بنامی از ایران بر خاستند و با تألیف آثار گرانبها، حیات فکر دینی را به‌عنوان فکری زنده و پویا تضمین کردند.» جعفریان همچنین ضمن همراهی با قضاوت والتر هینتس مبنی بر اینکه «ایران امروز، از نظر سیاسی و فرهنگی، بر همان پایه‌های استوار است که سلاطین بزرگ صفویه در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی بنا نهادند»، دلیل اصلی تفاوت معنا دار این عصر را در نقشی می‌یابد که مذهب تشیع در شکل‌گیری هویت «مسلمان شیعه ایرانی فارسی‌زبان» داشته است.

منصور صفت گل از دیگر محققانی است که ظهور صفویان در تاریخ سیاسی ایران را یک دگرگونی صرفاً سیاسی که به تعویض حاکمان انجامیده، نمی‌داند و معتقد است حضور دو عنصر نیرومند ۱-دعای مذهبی خاندان صفوی و ۲-ماهیت دینی فرمانروایی صفوی، آنان را از حکومت‌های پیشین متمایز می‌سازد. این دو عامل در ترکیب با نظریه سیاسی «سلطنت اسلامی»، ساختار اقتصادی کشاورزی آن اعصار و خاستگاه شهری صفویان باعث تعیین تدریجی نهادهای دینی و سیاسی شد که تا پیش از آن در حکومت اتحادیه‌های ایلاتی حاکم بر ایران سابقه‌نداشت.

منابع سه‌گانه مشروعیت؛ تشیع، تصوف، سلطنت

تصوف

با هجوم مغولان و تاراج سرمایه‌های تمدنی ایران زمین، گرایش عرفانی در جامعه ایرانی نضج گرفت که زاینده مجاهدت منفعلانه ایرانیان جویای نسیان فاجعه‌ای که چنگیز به نام «عذاب خدا» بر آنان روا داشت، بود. منطق شکست در ذهن و ضمیر ایرانیان با استیلای ترکان که خواجه نظام‌الملک آن را نشانی از «گناهکاری» ایرانیان می‌دانست، تشدید شد و بدین‌سان التیام زخم وضعیت دربار موجود نه در «ایبادی» (سیاسی-فرهنگی) در برابر نیروهای متجاوز که در گریز از دنیا و ما فیها جست‌وجو شد. در این میانه، آنچه این حالت روانی ناشی از مصیبت شکست را در عالم بیرون همراهی می‌کرد، دو عامل بود: ۱-بودایی مسلک شدن برخی پادشاهان ایلخانی و ۲-وجود نوعی باطنی‌گری در آیین‌های مغولی، وجه اجتماعی این عرفان نوظهور، «تصوف» بود که خود را در فرقه‌های گوناگونی که در این دوران شکل گرفت و با کسب محبوبیت میان آحاد مردم به قدرت‌هایی اجتماعی بدل شد، متجلی ساخت؛ فرقه‌هایی نظیر نقشبندییه، نورخشیه، مولویه، حروفیه و... از جمله متنفذترین خانقاه‌های صفویه، خانقاه‌های شیخ‌الدین اردبیلی بود. شیخ صفی (۷۳۵-۶۵۰ ق.ه) که در دوره ایلخانی می‌زیست، از نفوذ اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود؛ به نحوی که در برابر پرسش امیر چوپان ایلخانی که خواستار نظر شیخ در باب مقایسه تعداد مریدانش با مردان امیر شده بود، ابراز داشت: «در ایران امروز در برابر هر نفر سپاهی ۱۰۰ نفر سرسپرده وجود دارد.» آنچه پایه‌های محبوبیت شیخ را استوارتر می‌ساخت، جدا از گرایش غالب به تصوف، رابطه نزدیکی بود که شیخ صفی با پادشاهان مغول از سویی و با علما و فقها از سویی دیگر برقرار ساخته بود. شیخ مریدان را به اجرای فریض و رعایت ظاهر شریعت امر می‌کرد و امر این باعث می‌شد در رابطه او علما و علمای اصطکاک چندانی حادث نگردد. از رشیدالدین فضل‌الله، وزیر شافعی دربار ایلخانی به‌عنوان یکی از مریدان شیخ نام برده شده است که خود گویای قدرت و جایگاه خانقاه صفوی و شخص شیخ صفی‌الدین بوده است.

با وجود استمرار قدرت‌معمنوی و اجتماعی خانقاه صفوی، گسترش شبکه تبلیغاتی آن از آسیای صغیر تا ماوراءالنهر و سامان‌یابی‌های نوین آن در قالب «مرشد - خلیفه - مرید»، حساسیت صوفیان به قدرت سیاسی قری به درازا کشید و در زمان شیخ جنید خود را در شمال «مبارزه با کفار» جلوه گر ساخت. در پی درگیری‌های جنید با پادشاه قره‌قویونلو و خروج او از اردبیل و سرگردانی در آناتولی، موج جدیدی از مریدیابی آغاز شد که همراه با اظهار نوعی تشیع غالبانه بود. لازم به ذکر است که در فاصله شیخ صفی و جنید گرایش به تشیع در شیوخ صفوی شکل گرفته بود و جنید تنها با حمایت از عقاید غلوا میز، باعث جذب سراسری و اطاعت کورکورانه مریدانی شد که مرشد را تجسم خدا در وجود انسان و خدای زنده می‌پنداشتند.

در هر صورت و با وجود فعل و انفعالات سیاسی متغیری که بر خانقاه شیخ صفی رفت، صفویه در دوران اسماعیل پسر حیدر و نوه جنید توانست با شکست مدعیان داخلی در سال (۹۰۷ ق.ه) قدرت را به دست گیرد و بدین‌سان اسماعیل، نوجوان ۱۵ ساله‌ای که والتر هینتس «شخصیت کامل و زودرس» او را از بدیع‌ترین حوادث تاریخ می‌داند، خود را شاهنشاه ایران نامید و پیرو آن و در تصمیمی‌آنی و بر خلاف نظر بسیاری از همراهانش، دستور داد خطبه به نام امه خوانده شود و تشیع مذهب رسمی کشور اعلام شود. در کتاب «تاریخ عالم آرای صفوی» آمده است که همراهان شاه اسماعیل چهار دانگ از ۳۰۰-۲۰۰ هزار نفر مردم تبریز را سستی دانسته‌اند و از برگشتن رعیت ششاه را تذکار داده‌اند. با وجود این پاسخ شاه اسماعیل چنین بوده است: «مرا به این کار باز داشته‌اند و خدای عالم یا حضرت، همراه من اند و من از هیچ کس باک ندارم. به توفیق الله تعالی، اگر رعیت هم حرفی بگویند، شمشیر از غلاف می‌کشم و به عون خدا یک کس را زنده نمی‌گذارم. روز جمعه خودم می‌روم و خطبه اثنی عشری می‌خوانم.»

تشیع

صفویان نخستین حکومتی نبودند که گرایش شیعی داشتند و پیش از آنها آل بویه نیز به‌عنوان حکومتی فراگیر که حتی خلیفه بغداد را نیز تحت قیمومت خویش قرار داد، نمایان شیعی خویش را عیان ساخته بود و به تصریح میشل مزاولی حکومت‌هایی محلی نظیر «چوپانیان، آل جلایر، سربداران و قراقویونلوها» نیز دارای نظریات «امامی» بوده‌اند. آنچه اما صفویان را از همه این حکومت‌های شیعی متمایز می‌ساخت، باید در دو عامل جست‌وجو کرد: نخست استفاده وسیعی که صفویان از آیین امر در مشروعیت‌بخشی به حکومت خویش در داخل و غیرت‌سازی دینی با امپراطوری سنی عثمانی و ازکنان در خارج از مرزهای کشور به عمل آوردند، سپس امکانات وسیعی که در سایه نیازمندی متقابل سلاطین و علما، در جهت بسط و گسترش تشیع و فقاقت ایجاد شد و اندیشه دینی شیعه را به نهادی اجتماعی-سیاسی بدل کرد که در دورنمای تاریخی به‌زعم راجر سیوری «انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹» را ممکن ساخت. راجر سیوری در تحلیل چرایی تصمیم شاه اسماعیل در اعلان تشیع به‌عنوان دین رسمی کشور معتقد است: در وهله اول شاه «گزینه چندانی» نداشته است و به سبب تعصبات مذهبی قریلباشان، پرهیز از چنین اقدامی، «استقبال از خطر سیاسی» آنها بوده است. با وجود

